

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۴/۱۲

دکتور ملک ستیز

ایرانی های عزیز، شمای که ما را «افغانی ها» می خوانید



ملک ستیز

آن جوانی را که تا مرز مرگ می زنید، چندین بار مرده تا جسدش را به سرزمین شما رسانیده است. او را یکبار انقلاب آتشین ثور، بار دوم انقلاب اسلامی خمینی، بار سوم انقلاب مجاهدین، بار چهارم انقلاب لیبرالیسم امریکایی و بار پنجم انقلاب امارتی گشت. آن جسدی است که پنج بار شهید شده است. مگر در آئین شما شهید را اهانت می کنند؟

آن کودکی که پنجه های خون آلود تان را بر دور حلقومش تنگ و تنگتر و خفقان می کنید، شهید کربلاست که میدان گرسنگی، تشنگی و فقر جاننش را گرفته است. مادرش را روس ها، پدرش را امریکایی ها، خواهرش را پاکستانی ها و برادرش را ایرانی ها تیرباران کرده اند. مگر در آئین شما فرزندان حسین را می کشند؟

آن پیرمردی را با سیلی به رویش می کوبیدید، شبها سخنرانی های خامنه ای را از رادیو گوش می کرد. به ملت شما باور داشت. می گفت ایرانی ها با ما پیشینه، زبان و عقاید مشترک دارند. او به شما رو آورده بود و باور داشت. مگر شما سخنرانی های حضرت علی را در نهج البلاغه از یاد برده اید؟

می دانید که امریکا و اروپا پر از مهاجرین ایران است. در میان مهاجرین ایران کسانی هستند که انسان می کشند و جنایت های سازمان یافته را براه می اندازند. اما میلیون ها مهاجر پرافتخار ایرانی در این سرزمین ها زندگی می کنند. کسی، همه ایرانی ها را «فرزندان تروریزم» نمی خواند. چون در این جوامع احساس وجود دارد. جرم یک عمل شخصی است. کسی همه ایرانیان را در اروپا و امریکا جنایت کار خطاب نمی کند. ببین تفاوت فرهنگ اجتماعی را! مگر شما از فردوسی، حافظ، سعدی و خیام چه چیزی را به نمایش می گذارید؟

با این زبانی که من با شما سخن می گویم، روزگاری مولانا جلال الدین محمد بلخی گفته بود:

بیا تا قدر یک دیگر بدانیم
که تا ناگه ز یک دیگر نمانیم
چو مومن آینه مومن یقین شد
چرا با آینه ما رو گرانییم
کریمان جان فدای دوست کردند
سگی بگذار ما هم مردمانیم
فسون قل اعوذ و قل هو الله
چرا در عشق همدیگر نخوانیم
غرض ها تیره دارد دوستی را
غرض ها را چرا از دل نرانیم

دکتور ملک ستیز تحلیلگر امور بین الملل